

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

حزب کار ایران (توفان)

۰۲ فبروری ۲۰۱۷

پدر خوانده سیاهکار انقلاب ایران به گور رفت

علی اکبر هاشمی رفسنجانی یکی از ارکان بنای جمهوری اسلامی و یکی از مهره‌های مهم ضد انقلاب حاکم در ایران در اثر ایست قلبی درگذشت. قلب مملو از بیرحمی و آکنده از ریاکاری و خبائثت وی سرانجام از حرکت بازماند. نام رفسنجانی که با سرکوب، دشنامگویی و تهدید مخالفان همراه است، به ویژه زمانی بر سر زبانها افتاد که در ۴ خرداد ۱۳۵۸ توسط گروه فرقان مورد سوء قصد قرار گرفت، ولی از چنگ ابلیس گریخت و بالای جان مردم شد. وی هنوز جراحتش درمان نشده در یک نطق تحریک آمیز و سراپا دروغ، کمونیستها را مسؤول سوء قصد به جان خود معرفی کرد و متعصبان مذهبی را با زبان بی‌زبانی به کشتار کمونیستها ترغیب نمود. تنها بعد از این که روزنامه آیندگان مطالبی در مورد گروه فرقان نوشت و اشاره کرد به این که مسؤولان سوء قصد به جان رفسنجانی مسلمانان بوده‌اند و نه کمونیست‌ها، دسیسه‌ای که می‌رفت با رهبری رفسنجانی به انجام برسد و در فضای ترور و تهدید، جوی خون به راه بیفتد، درهم شکست.

بهترین لقبی که شایسته این موجود مزور و ریاکار است، همان "مارمولک" می باشد. وی سر مارمولک جمهوری اسلامی بود. وی تلاش کرد در دوران زندگی اش مشتی میرزابنویس را به نگارش تاریخهای جعلی در مورد زندگی خودش و مبارزاتش بگمارد تا وی را امیرکبیر ایران معرفی نمایند. تاریخی که رفسنجانی نوشته است ارزشش در جعل تاریخ است و نشان می‌دهد که چگونه نباید تاریخ نوشت. رفسنجانی که نماینده چرک و خون در جمهوری اسلامی بود به این نوع آرایش چهره زشت خویش نیاز داشت. مردم ایران به شدت از این همه ریاکاری وی در شگفت بودند و نسبت به وی نفرت داشتند. القابی نظیر "آیت‌الله کوسه" که مردم به وی داده بودند و وی را با کوسه‌های خونخوار اقیانوسها قیاس می‌کردند و یا "اکبر شاه" که منظور مردم این بود که وی جای محمد رضا شاه را گرفته است و اگر آن یکی تنها شاه بود، ولی این یکی شاه اکبر است که کنایه‌ای نیز به نام کوچک وی بود، این کنایه در واقع توصیف ماهیت این مارمولک و گویای شناخت عمیق مردم از وی بود.

وی در حالی که از اشغال سفارت امریکا حمایت می‌کرد تا ابتکار عمل مبارزه ضد امپریالیستی را از دست کمونیستها به در آورد در پشت پرده با نماینده امریکا مک فارلین کتاب مقدس رد و بدل می‌کرد و به سازش و مذاکره مشغول بود. هاشمی رفسنجانی یکی از طراحان "انقلاب فرهنگی اسلامی"، بستن دانشگاهها و سرکوب دانشجویان ایران بود. وی به عنوان یار امام جنایتکارش گام به گام با بسیج نیروهای شبه فاشیستی حزب‌الله و سپاه و بسیج، دست آوردهای دمکراتیک انقلاب بهمن ۵۷ را از بین برد و فضای اختناق سیاسی ایران با کودتای ننگین سی خرداد [جوزا] ۶۰ را به

اوج خود رسانید. هاشمی رفسنجانی از آمران کشتار کمونیستها، انقلابیون و نیروهای ترقیخواه دهه شصت و از طراحان اصلی کشتار سراسری زندانیان سیاسی در تابستان و شهریور [سنبله] ۱۳۶۷ بود.

علی اکبر ناطق نوری رئیس پیشین مجلس شورای اسلامی در گفت و گوئی با کیهان تهران، در فروردین [حمل] ۱۳۸۰ علل مختلف رویداد دوم خرداد [جوزا]، شکست خود و انتخاب پیروزمندانه محمد خاتمی به عنوان رئیس جمهور (بخوانید نامزد "نخودی" ریاست جمهوری-توفان) را از جمله دفاع سینه چاک خودش از دولت هاشمی رفسنجانی اعلام کرد. برای این که اوج نفرتی را که مردم ایران نسبت به این مارمولک داشتند درک کنید نظر خوانندگان را به گزارشی که در اواخر سال ۷۹ از ایران داده شده است جلب می کنیم. در آن زمان محمد خاتمی بعد از سخنرانی رفسنجانی در رفسنجان از وی ستایشی به عمل آورد که نفرت مردم را برانگیخت به طوری که دست اندرکاران با حیرت زدگی می گفتند تأثیر منفی چنین ستایشی به مراتب بیشتر از ستایشی بوده است که خاتمی حتی از اسدالله لاجوردی "قصاب اوین" کرده است.

رفسنجانی شخص مورد اعتماد خمینی بود و همراهش در همه فعالیت‌های ضد مردم و ایران ستیزانه نقش فعال داشت. نگاهی به مسئولیتهائی که وی در این دوران به عهده گرفته است از نقش مهم وی در جمهوری اسلامی و اعتمادی که نسبت به وی وجود داشته است پرده بر می‌دارد: عضویت در شورای انقلاب از همان بدو امر، ریاست شورای امنیت ملی، نخستین رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، مجمعی که بر بالای سر همه چیز و تصمیمات مردم قرار دارد و تصمیم گیرنده پشت پرده است و تمام آن تصمیماتی را که فقط به نفع نظام تشخیص می‌دهد به رسمیت می‌شناسد. این مجمع نه تنها برای سازش بین جناحهای گوناگون هیأت حاکمه تشکیل شده، بلکه مجمعی بالای سر مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان است که چنانچه تصمیمی از زیر دست این دو ارگان در اثر غفلت رد شد، این مجمع آن را ضد مصالح نظام تشخیص دهد و جلوی اجرایش را بگیرد، وی نماینده مجلس خبرگان رهبری، دومین رئیس مجلس خبرگان رهبری، چهارمین رئیس‌جمهور ایران، جانشینی فرماندهی کل قواء، رئیس شورای عالی دفاع، اولین رئیس مجلس شورای اسلامی نیز بود. چنین فردی با این سوء سابقه نه می‌تواند دموکرات باشد و نه آزادیخواه.

رفسنجانی عضو مؤسس "حزب جمهوری اسلامی" بود که از رویداد انفجار دفتر این حزب جان سالم به در برد به طوری که شایع شده بود وی در این بمب‌گذاری نقش داشته و می‌خواسته است رقیب خود آیت‌الله بهشتی را از بین ببرد. وی بعداً برای اعمال نفوذ در میان روحانیت "جامعه روحانیت مبارز" را بنا نهاد که این سازمان به مؤثرترین تشکل سیاسی روحانیون محافظه کار ایران بدل شد و وی تا روز مرگش در این تشکل عضویت داشت.

رفسنجانی سپس ریاست هیأت مؤسس و هیأت امنای دانشگاه آزاد اسلامی را که خود به وجود آورده بود تا در میان روشنفکران جای پائی باز کند، به عهده گرفت.

رفسنجانی فردی فاقد اصولیت بود، سیاست وی ماکیاولیستی و مزورانه تنها با هدف تقویت قدرت سیاسی جمهوری اسلامی به هر وسیله در بدو امر بود. برای وی هدف، هر وسیله کثیفی را برای تحکیم این نظام تقویت می‌کرد. وقتی داماد و پدر وی آیت‌الله لاهوتی را دستگیر کردند، وی برای نجات جان آنان علی رغم نفوذ فروانی که داشت گامی برنداشت. شایع بود که آیت‌الله لاهوتی نیز مانند آیت‌الله طالقانی تمایلات چپ دارد. در زندان آیت‌الله لاهوتی با سم استریکنین کشته شد که مرگ وی را سکنه قلبی اعلام کردند. رفسنجانی که در جریان امر بود ترجیح داد علی رغم اطلاع کامل از مسایل، در "خدمت منافع اسلام عزیز و مرجع تشخیص مصلحت رژیم" بر این قتل سرپوش بگذارد و از تقاضای مجازات عاملان قتل صرفنظر کند. این نوع قساوت قلب در کمتر حیوانی پیدا می‌شود. حزب ما در آینده در

مورد خانواده مافیائی و نقش تبهکارانه رفسنجانی در کشتار مبارزان در خارج و داخل و ثروتهای افسانهئی وی بیشتر خواهد نوشت.

برگرفته از توفان شماره ۲۰۳ بهمن ماه [دلو] ۱۳۹۵ - فبروری سال ۲۰۱۷

ارگان مرکزی حزب کار ایران (توفان)